



ماندن
هویت شاگرد: مسیح در شما
دکتر دیوید پلات
۱۶ سپتامبر ۲۰۰۷

هویت شاگرد: مسیح در شما کولسیان ۱: ۲۴ – ۲۹

خوب اگر کتاب مقدس دارید و امیدوارم که داشته باشید، بذارید از شما دعوت کنم که به همراه من کتاب کولسیان را باز کنید. ازتون میخوام لطفاً کولسیان ۱ را باز کنید. ما به کولسیان ۱: ۲۴ – ۲۹ نگاه خواهیم کرد، و در واقع بر یک آیه تمرکز خواهیم کرد، کولسیان ۱: ۲۷. و در اصل بر هفت کلمه تمرکز خواهیم کرد. هفت کلمه ساده و قدرتمند که زندگی‌ها را تغییر میدهد. و من معتقدم که آگه ما با تمام افکار و قلب خودمون اون هفت کلمه رو در آغوش بگیریم اون مطلقاً مسیحیت ما رو متحول خواهد کرد. اون مطلقاً زندگی‌های ما را متحول خواهد کرد.

خوب میخوام بر اون هفت کلمه متمرکز بشیم و ملاحظه کنیم معنی اونها چی هست، که زندگی مسیح را زندگی کردن به چه معنایی هست؟ معنی پیرو مسیح بودن چیه. کولسیان ۱: ۲۴، پولس به کلیسای کولسی مینویسد و میگوید:

اکنون از آن رنج و زحمتی که به خاطر شما می بینم خوشحالم، زیرا به وسیله رنجهای جسمانی خود آنچه را که از رنجهای مسیح برای بدن او یعنی کلیسایش باقی مانده است تکمیل می کنم. من طبق مأموریتی که خدا برای خیریت شما به من عطا فرمود خادم کلیسا هستم تا پیام خدا را کاملاً اعلام نمایم، یعنی آن حقیقت اسرار آمیز که طی اعصار و قرون، مخفی مانده بود، اما اکنون برای مقدسین آشکار شده است. خدا صلاح دانست که راز پر جلال و بی قیاس خود را در میان ملل غیر یهود فاش سازد و آن سرّ این است که مسیح در شما ساکن می باشد و این حقیقت مایه امید شما به سهیم شدن در جلال خداست. ما مسیح را به همه می شناسانیم و با تمام دانشی که داریم همه را آگاه می سازیم و تعلیم می دهیم تا آنها را به صورت

افرادی بالغ در مسیح به خدا تقدیم نماییم. برای انجام این کار من زحمت می کشم و تقلا می کنم و از قدرت عظیمی که مسیح به من می دهد و در من کار می کند استفاده می نمایم. (کولسیان ۱: ۲۴ - ۲۹).

کولسیان ۱: ۲۷، هفت کلمه در وسط اونها " مسیح در شما مایه امید جلال خدا". حالا کاری که میخوام انجام بدیم اینه که میخوام اجازه بدیم اونها کلمات زندگی مسیحی را باز کنند. من معتقدم که اگه ما این حقیقت را درک کنیم، این تصویر " مسیح در شما مایه امید جلال خدا" رو بفهمیم دیدگاه ما را از زندگی مسیحی مان تغییر میده. من معتقدم که برخی از اساسی ترین حقایق مسیحیت در این کلمات نهفته اند. با این حال آنها حقایقی هستند که اکثریت مسیحیان هنوز باید اونها رو در قلب فکرمان قرار دهیم. پس بذارید لغت به لغت به اونها پردازیم. " مسیح در شما مایه امید جلال خدا".

زندگی مسیحی...

مسیح

زندگی تقویت شده

ما با مسیح شروع می کنیم. زندگی مسیحی زندگی تقویت شده هست. آن از مسیح شروع میشود. ما باید بدانیم که کتاب کولسیان توسط پولس به کلیسای کولسی نوشته شده چون آنها با بعضی تعالیم دروغین در کلیسا روبرو بودند. تعالیمی که تهدیدی برای تضعیف اساس ایمان آنها بود مخصوصاً تضعیف کردن شخص عیسی مسیح. بنابر این چیزی که ما میبینیم در سرتاسر کولسیان ۱ اتفاق میفته، در واقع در تمام کتاب اما مخصوصاً در کولسیان ۱، اینه که او تصویری از برتری مسیح ارائه میکنه. او زیبا ترین پرتره از مسیح را که ما در سرتاسر کتاب مقدس در دست داریم نقاشی میکنه. و من میخوام با من به آیه ۱۵ برگردید و ازتون میخوام فقط پرتره مسیح را اینجا ببینید. آیه ۱۵ میگه، "و صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی آفریدگان." (کولسیان ۱: ۱۵) او تصویر خدا هست. نخست زاده کلمه ایه که اساساً به معنی برتری هست. و به این معنی نیست که او مخلوق هست. اون چیزیه که ما در آیه بعدی به اون میرسیم. او مخلوق نبود، بلکه او برتر از تمام مخلوقات هست. او نخست زاده تمامی آفریدگان هست، صورت خدا. این خدائی است که در جسم آشکار شد. اونو در کولسیان ۲: ۹ میبینیم که میگه: که در روی از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است. (کولسیان ۲: ۹). این خداست که در جسم آشکار شد. او صورت خداست.

بعد آگه به کولسیان ۱:۱۶ و ۱۷ نگاه کنید، میبینید او خالق کل آفرینش هست. اون میگه: زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نا دیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوّات؛ همه بوسیله او و برای او آفریده شد. و او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد. (کولسیان ۱:۱۶ - ۱۷). او خالق آفرینش هست. شما توسط مسیح خلق شدید. او نه تنها خالق بوده، بلکه همیشه خالق هست. او نگهدارنده خلقت هست. همه چیز به واسطه او انسجام دارند. اگر او دست از آفرینش بردارد، همه چیز از هم می پاشد. تنها دلیلی که علف های روی زمین سر پا ایستادند به این دلیل که مسیح آنها را حفظ میکند. تنها دلیلی که هر کدوم از ما نفس میکشیم اینه که او در همین لحظه نفس ما را نگه میدارد. او همه چیز را نگه میدارد. او همه چیز را حفظ میکند. او خالق آفرینش از ابتدا تا انتها هست. ما توسط مسیح خلق شدیم.

او صورت خداست، خالق آفرینش. او سر کلیسا هست. آیه ۱۸، و او بدن یعنی کلیسا را سر است، زیرا که او ابتدا است و نخست زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود. (کولسیان ۱:۱۸).

ما در این مورد صحبت کرده ایم که چطور ما بدن مسیح هستیم و او سر هست، بدین معنا که او حاکم است، نه تنها بر همه آفرینش بلکه او بر کلیسا نیز حاکم است.

او صورت خداست، او خالق آفرینش است، او سر کلیسا هست و او نجات دهنده دنیا هست. به آیات ۱۹ و ۲۰ نگاه کنید، زیرا خدا رضا بدین داد که تمامی پری در او ساکن شود، و اینکه بوساطت او همه چیز را با خود مصالحه دهد، چونکه به خون صلیب وی سلامتی را پدید آورد. بلی بوسیله او خواه آنچه بر زمین و خواه آنچه در آسمان است. (کولسیان ۱:۱۹ - ۲۰). عیسی نه تنها همه چیز را خلق کرد، بلکه تنها راهی که تمامی مخلوقات خلق شده تا به امروز میتوانند با خدا در آشتی باشند توسط مسیح هست. او منجی تمام دنیا با تمام مخلوقاتش هست.

حالا این تصویر مسیح در کولسیان ۱ هست. و اگر آن مسیح جائی در نزدیکی زندگی شما هست، اون موقع همه چی تماماً تغییر میکند. زیبایی کولسیان ۱:۲۷ در این هست که این مسیح فقط نزدیک زندگی ما نیست، این مسیح در شماست! به آن فکر کنید. صورت خدای نادیده، خالق آفرینش، سر کلیسا، و ناجی دنیا، در شما مسیحیان ساکن هست. او در شما زندگی میکند، او در شما ساکن میگردد. این مسیح در شما ساکن است. خدایا ما را از یک فکر کوچک در مورد کسی که در ما زندگی میکند نجات بده!

زندگی مسیحی زندگی تقویت شده هست. نذارید این فقط به شما ختم بشه. درست همون جائی که نشستید این مسیح، آگه به او اعتماد کرده اید که شما رو از گناهانتون نجات بده، او درون شما ساکن شده. او

زندگی شما رو مسکن خود قرار داده. اون حقیقت عظیمی هست. زندگی مسیحی زندگی تقویت شده هست. حالا اون چطور بر ما تأثیر میذاره؟ او در ما زندگی میکنه به چه معنایی هست؟

در

زندگی تبدیل شده

زندگی مسیحی زندگی تقویت شده است و دوم زندگی مسیحی یک زندگی تبدیل شده است. اون مسیح در شما هست. حالا در این تصویری که پولس به ما میده در آیه ۲۶ و ۲۷ او در مورد یک سر صحبت میکنه. سری که مخفی شده، سری که نگه داشته شده. و اساساً اون تصویری از چیزی نیست که خدا سعی میکرده از ما مخفی کنه و بالاخره رازش فاش شده، برعکس اون چیزیه که او در سرتاسر تاریخ نجات تا به امروز منتظر بوده تا آشکار بشه.

تصویری هست که مقدسین عهد قدیم از خدا داشتند ، وقتی به کولسیان ۱:۲۷ میرسید اون تصویر کاملاً متفاوت از تصویر کولسیان هست. این حقیقت حیرت انگیزی در لابلاي صفحات کتاب مقدس هست، که به ما تصویری تماماً متفاوت از آنچه که تا این نقطه دیده بودیم میده. این رازی است که آشکار شده و راز مسیح در شما هست. بیایید با هم به اون فکر کنیم. در سرتاسر عهد قدیم باهم سیری بکنیم و به رابطه خدا با قومش نگاه کنیم. بارها و بارها حقیقتی که تکرار میشود اینه که خدا رحمت و محبت و فیض خودش را به قومش نشان میده. و حقیقتی که بارها و بارها تکرار شده اینه که خدا با شما هست. پیدایش ۱۲، ۱۵ ، من با تو هستم ابراهیم. پیدایش ۲۶ من با تو هستم اسحق. پیدایش ۲۸ ، یعقوب من با تو هستم. پیدایش ۳۹، خداوند چهار بار در جاهای مختلف با یوسف بود. وقتی به خروج میرسید "موسی میگه چطور میتونم برم و با فرعون صحبت کنم" و خدا میفرماید "من با تو خواهم بود موسی". او ردای رهبری را به یوشع واگذار میکنه. " چنانکه با موسی بودم با تو خواهم بود؛ تو را مهمل نخواهم گذاشت و ترک نخواهم نمود." دو بار در یوشع ۱:۱ - ۹. "من با تو هستم فراموش نکن من با تو هستم." او اینو به جدعون میگه. " تو با میدانی ها خواهی جنگید . من با تو هستم. اینو فراموش نکن. به داوود میگه: داوود "من با تو هستم." به سلیمان میگه: همانطور که با داوود بودم با تو نیز هستم. توسط انبیاء خود اشعیا و ارمیا - بارها و بارها میگه: " دل تو ترسان نباشد." چرا؟ " چون من با تو هستم." نترس! چرا " چون من با تو هستم." این حقیقتی هست که عهد قدیم رو فرا گرفته. خدا با قوم خودش هست. خدا با قوم خودش ساکن هست. خیمه

پرستش خدا با قوم خودش هست، در معبد. جلال او در معبد با آنها ساکن هست. آنها تصویر از خدا دارند که با آنهاست. وقتی به عهد جدید میرسید و عیسی وارد صحنه میشه کتاب مقدس میگه: " نام او عمانوئیل خواهد بود." که معنیش چیه؟ خدا با ما. این تصویری از هویت مسیح هست. اما بعد به یوحنا ۱۳:۳۳ میرسید و او میگه: من اندک زمانی دیگه با شما هستم. پرچم قرمز بالا میره. خدا با ما، ما را ترک خواهد کرد.

بعد به کولسیان ۱ میرسید و با آن تصویر از عهد قدیم که بارها و بارها نشان داده شده، " خدا با شماست" حالا به این تصویر میرسید: یعنی آن سری که از دهر ها و قرنهای مخفی داشته شده بود، لیکن الحال به مقدّسان او مکشوف گردید، (کولسیان ۱:۲۶).

اینو ببینید: به شما، آن الان برای شما مکشوف شده. "خدا صلاح دانست که راز پر جلال و بی قیاس خود را در میان ملل غیر یهود فاش سازد." (کولسیان ۱:۲۷). عملاً میگه: " خدا راضی هست." خدا خیلی خوشحال بود که مکشوف سازد، "... در میان ملل غیر یهود فاش سازد و آن سرّ این است که مسیح در شما ساکن می باشد و این حقیقت مایه امید شما به سهیم شدن در جلال خداست." (کولسیان ۱:۲۷). نه خدا با شما، بلکه مسیح در شما.

من معتقدم این حیرت انگیز ترین حقیقت در کتاب مقدس هست. مسیح در شما. و نه فقط در هر کسی. این در باره مردم غیر یهودی صحبت میکنه، غیر یهودیان مشرک که عضوی از قوم برگزیده خدا نبودند. و شما مسیح رو دریافت کردید، صورت خدای نادیده را، خالق آفرینش را، سر کلیسا و ناجی جهان را. او مسکن خود را در دل ها و زندگی های غیر یهودیان مشرک قرار میدهد که با یهودیان یکجا جمع میشوند. و آنها جائی خواهند بود که او زندگی میکند. او در شما زندگی میکنه. این تصویری است که در اینجا می بینیم. مسیح در شما امید جلال.

این حقیقتی است که من معتقدم بسیاری از ما مسیحیان سعی میکنیم زندگی مسیحی خود را جدا از آن زندگی کنیم. ما درک نمیکنیم که این چه حقیقت عظیمی هست، من به این معتقدم. به این دلیل معتقدم چون طرز زندگی مسیحی بسیاری از ما شاهد گویای این مطلب هست. تصویر مسیح در شما همه چیز را عوض می کند. من بر این باور هستم و معتقدم که عیسی مرد تا ما را از گناهان مان نجات دهد و گناهان ما را ببخشد. او برای بخشش ما مرد و ما به آن باور داریم و این چیز خوبیه. قطعاً این حقیقتی که او برای بخشش ما مرد. اما میخوام به شما یادآوری کنم عیسی فقط به این دلیل نمرد که گناهان شما رو ببخسه. او مرد تا بتونه در شما زندگی کنه.

حقیقت این هست. عیسی برای شما مرد تا اینکه بتواند در شما زندگی کند. عیسی بر روی یک صلیب به خاطر گناهان شما مرد و از مردگان برخاست تا اینکه بتواند توسط شما زندگی کند. او دیگه تنها منجی شما نیست. حقیقت حیرت انگیز اینه که او ما را از گناهانمون نجات میدهد، همه داستان نجات ما نیست. او تنها منجی ما نیست. او زندگی ما هست. او در ما هست و زندگی ما در ما هست.

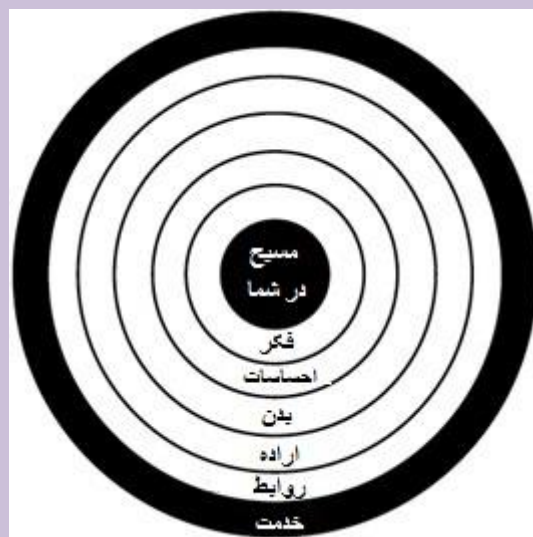
به سرتاسر تاریخ نگاه کنید! برخی از قهرمانان ایمان من که در موردشون خوانده ام و به حرف های اونا گوش کردم همه در مورد نقطه ای از مسیحیت شون صحبت کردند که اونجا فهمیدند، نجات به اونها مربوط نبوده بلکه مربوط به زندگی مسیح در اونها بوده. ایان توماس اینطور گفته: او رهبر یک گروه دوستی مسیحی بود. او در لندن کار میکرد و در محلات فقیر نشین خدمت میکرد. او مدت هفت سال بود که مسیحی شده بود و انواع کارها را انجام میداد. او گفته: " من تا حدّ خستگی کامل روحانی سقوط کرده بودم تا اینکه احساس کردم که دیگه امکان ادامه دادن وجود نداره." (من معتقدم بسیاری از ما امروزه در آنجا قرار داریم، انواع کارها رو در اوج خستگی روحانی انجام میدیم.)

بعد یک شب در نوامبر درست در نیمه شب، در مقابل خدا زانو زدم و در اوج نا امیدی گریه کردم و گفتم خدایا میدونم که نجات یافتم. من عیسی مسیح رو دوست دارم کاملاً معتقدم که تبدیل شدم. با تمام قلبم میخوام تو رو خدمت کنم. من نهایت سعی ام رو کردم و چیزی بیش از یک شکست خورده نا امید نیستم. آن شب چیز هائی اتفاق افتاد. میتونم صادقانه بگم که تا اون موقع من هرگز یکبار هم از زبان مردم پیغامی نشنیده بودم که به من بیاد. اون شب خدا توجه منو به این پیغام انجیل در مورد مسیح جلب کرد که او زندگی ماست. و بنظر میرسید که خداوند اونشب بوسیله اشک های تلخ من اونو برام باز کرد. بیین هفت ساله که با نهایت توانت سعی کردی برای من و به جای من زندگی کنی - و من هفت سال منتظر بودم که توسط تو زندگی کنم.

تفاوت رو میبینید؟ او میگفت: " صبح روز بعد در یک زندگی کاملاً متفاوت بیدار شدم." از جرج مولر پرسیدند: رازی که پشت تمام کارهای شما نهفته چی هست؟ او گفت: " روزی بود که من بکلی مُردم، به عنوان جرج مولیر مُردم، نظرات او، ترجیحات او، سلیقه و اراده او. نسبت به دنیا مُردم، نسبت به تأیید ها و انتقاد های اون. نسبت به تأیید ها و سرزنش های حتی برادران و دوستانم مُردم و از اون موقع به بعد من شروع کردم فقط خودم رو برای گرفتن تأیید خدا اثبات کنم." هادسون تیلور، که در چین خدمت میکرد تمام زندگینامه او تحت عنوان راز روحانی هادسون تیلور نام گرفته بود. و راز زندگی و خدمت او نقطه ای بود که در آن او دریافت که تمام زندگی او به این منظور بوده که او رو به سوی

چیزی بکشه که او به آن "ثروت غیر قابل اندازه گیری مسیح" میگه. "ثروت پایان ناپذیر مسیح". و آن مسیح در او بود. او در نامه هائی که مینوشت در مورد آن صحبت میکرد. او میگفت: " آن منو آزاد کرد تا جائی که فهمیدم هر کاری که کرده ام با اراده من نبوده با نظر خود من نبوده یا شخصیت خود من. مسیح در من بود. او توسط من زندگی میکرد. تصویر این هست. عیسی برای شما مرد تا در شما زندگی کنه. حالا میخوام به شما نشون بدم، میخوام سعی کنم نشون بدم چطور و چرا معتقدم که ما اینو درک نکردیم. من بر اساس کولسیان ۱: ۲۷ به این نتیجه رسیدم که تبدیل قابل اعتماد از درون به بیرون انجام میشه. ازتون میخوام نموداری رسم کنید که به ما کمک میکنه اینو بهتر درک کنیم. یه ورق کاغذ بردارید، در وسط کاغذ، یک دایره کوچک بکشید – نه خیلی بزرگ چون ما هفت دایره دیگه در اطراف اون خواهیم کشید، دایره اول فقط اونقدر بزرگ باشه که داخل اون خواهیم نوشت. بعد دایره کمی بزرگتر دور دایره اولی بکشید. باز هم اونو خیلی بزرگ نکشید چون ما هفت دایره خواهیم کشید که هر کدوم از قبلی کمی بزرگتر خواهد بود، خوب دایره سوم رو کمی بزرگتر از دایره دوم رسم کنید و به این روند ادامه بدید تا در مجموع هفت دایره تو در تو داشته باشید.

از تون میخوام ببینید که در مرکز این نمودار یه تصویری از مسیح در شما هست. پس در درون دایره اول بنویسید "مسیح در شما". و بعد در دایره دوم کوچک متحد المركز بنویسید "فکر" بعد در دایره سوم بنویسید "احساسات" در دایره چهارم بنویسید "بدن" در دایره پنجم بنویسید "اراده" در دایره ششم بنویسید "روابط" و در دایره هفتم بنویسید "خدمت".



حالا که نمودار را پر کردیم، میخوام به این فکر کنیم که چطور مسیح بر فکر ما تأثیر میذاره و به این فکر کنیم که مسیح چطور بر دومین دایره - بر احساسات شما تأثیر میذاره، به طرز احساس ما که آشکارا تحت تأثیر افکار ما هست که به چی فکر می کنیم. چیزی که ما به اون فکر میکنیم بر احساس ما تأثیر میذاره. بعد بدن ما تحت تأثیر افکار و احساسات ما هست. دایره بعدی اراده ما هست - کاری که می کنیم، انتخاب ها و تصمیمات ما - تحت تأثیر بدن ما، احساسات و افکار ما هست. ما همیشه بر اساس باور هایمان عمل می کنیم. آن یک حقیقت بنیادی هست. زندگی های ما همیشه مطابق باور های ما هست.

شاید بگید "خوب خیلی چیز ها هست که من به آنها باور دارم اما از زندگی من استنباط نمیشه." خوب من فکر میکنم آن تصویری از این واقعیت هست که شما حقیقتاً به اون چیز ها باور ندارید. چون ما همیشه بر اساس چیزی که باور داریم زندگی میکنیم. اراده ما بر نحوه ارتباط ما با همدیگه تأثیر میذاره - روابط ما. و در نهایت دایره بیرونی خدمت هست. چون هر چیز دیگه ای بر هدفی که ما بخاطر اون زندگی میکنیم تأثیر میذاره، پس بر خدمتی که ما به خاطرش زندگی میکنیم تأثیر میذاره.

حالا مطلب این هست، وقتی شما به تصویر نگاه میکنید، شخصی که در مرکز تصویر هست یعنی شخصیت ما بر فکر ما، احساسات ما، اراده ما، روابط ما با دیگران و بالاخره بر خدمت یا هدف ما تأثیر میذاره، وقتی ما به مسیحیت فکر میکنیم تصویر این هست. ما بیشترین انرژی خودمون رو کجا متمرکز میکنیم؟ ما بیشترین تمرکز مون بر دایره های بیرونی هست. مردم بر روابط شان تمرکز میکنند. چطور میتونم یک شوهر خوب یا یک زن خوب باشم؟ چطور میتونم یک پدر یا مادر خوب باشم؟ ما باید روی ازدواج یا روی سرپرستی ام کار کنم. باید روی دوست یابی ام کار کنم. باید روی دوستی هایم کار کنم. بنابر این ما عرصه هائی رو در دوستی هامون میبینیم که لازمه روی روابط کار کنیم، اراده ما.

ما میدونیم انواع چیز ها هست که انتظار میره به عنوان مسیحی اونها رو انجام بدیم. فرض بر این هست که ما زمان خلوت داشته باشیم. فرض بر این هست که ما زمان دعا و مطالعه کتاب مقدس داشته باشیم. فرض بر این هست که این کار رو بکنیم یا اون کار رو بکنیم. پس سعی میکنیم فکر کنیم، "چطور میتونم اینو با بقیه چیز ها که باید انجام بدم هماهنگ کنم؟ چیکار میتونم بکنم؟ چطور میتونم اون رفتار ها رو در زندگی ام به عادت تبدیل کنم؟ ما میدونیم که قرار هست بدن های ما پاک باشه پس فکر میکنیم، "بسیار خوب چیکار باید بکنم تا پاک باشم؟" همه ما انواع گناهان را داریم که با آنها در کشمکش هستیم. و با خودمون میگیم، "خوب چطور باید سعی بکنم بر این گناه یا بر اون گناه غلبه کنم؟" و احساسات ما و

افکار ما در میان این دنیا با چیز های فراوانی که دائماً به طرف ما می‌آیند، به افکار ما، چطور میتونیم افکار مسیح رو داشته باشیم؟

بنابراین کاری که ما میکنیم اینه که تمام انرژی خودمونو صرف می‌کنیم و سعی میکنیم که این چیز ها رو درست کنیم. سعی میکنیم این چیز ها رو در هماهنگی با حقایقی نگه داریم که در کتاب مقدس می‌بینیم. سعی میکنیم که یک زندگی مسیحی داشته باشیم. پس کاری که میکنیم اینه که در جلسات مطالعه کتاب مقدس شرکت می‌کنیم، به جلسات پرستش می‌آئیم و در مورد این صحبت میکنیم که چطور باید بهتر زندگی کنیم، و با راهکار های عملی ای جلسه را ترک می‌کنیم که حالا باید اونها را انجام بدیم تا بهتر زندگی کنیم. و گاهی به اون راهکار های عملی متعهد می‌شیم.

تنها مشکل اینجاست که دو هفته بعد اون تعهدات کم رنگ میشند و به نفع تعهدات دیگه که جدیداً فهمیده ایم باید انجام دهیم به تدریج رنگ می‌بازند. و ما دائماً در این دایره های بیرونی کار میکنیم و در نتیجه بسیاری از ما مسیحیان در زندگی مسیحی خود کاملاً سرخورده، ناامید و شکست خورده به این سو و آن سو میریم. و من معتقدم که برای همه این شکست ها و نومیدی ها دلیلی هست. دلیلش این هست. زندگی مسیحی غیر ممکن هست. شما نمیتونید اونو زندگی کنید. شما نمیتونید زندگی مسیحی را با قوت خودتون زندگی کنید. شما نمیتونید همه این چیز ها رو تثبیت کنید و همه اونها رو اصلاح کنید، آن به اون شکل طراحی شده. اونطور طراحی شده تا این چیزها فقط زمانی بازتابی از مسیح باشه که او درون شما زندگی کنه. چون او تنها کسی هست که قادره این زندگی مسیحی را به کمال زندگی بکنه. و زیبایی اون، این هست. او درون شما هست تا شما را قادر بکنه که اون برای شما هم امکان پذیر باشه. ما باید از اون محافظت کنیم. گوش کنید ایان توماس چی گفته. وقتی من اینو خواندم، ملزم شدم.

" آگاه باشید حتی به عنوان مسیحی در دام شیطان نیافتید. شما ممکنه بدونید و به شناخت خدا و خداوند عیسی مسیح نائل بشید. و صمیمانه او را به عنوان ناجی خود بپذیرید. اما آگه به رمز خداشناسی واقف نشید و اجازه ندید خدا در شما منشاء صورت خودش باشه – به این گوش کنید – به دنبال این خواهید بود که با تن دادن به قوانین بیرونی و آئین نامه ها و تبدیل رفتار هایتان به شکل الگو هائی که از سوی جوامع مسیحی خاصی که انتخاب کرده اید تا عضو آن باشید، به شما تحمیل میشه – و شما با تسلیم به این مقررات در پی کسب پذیرش آنها خواهید بود. و به این وسیله شما، رفتار ها و عادت های رایج مذهبی غیر مسیحی را با صرف انرژی جسم خودتان ادامه

خواهید داد. و در عین دنبال کردن پارسائی با احترام گذاشتن به مسیحیت بیش از خود

مسیح مرتکب بت پرستی خواهید شد."

عجب تصویری! بت پرستی! ما در تمام کلیسا ها به این دام گرفتار میشیم. احترام گذاشتن به مسیحیت بیش از خود مسیح. پس من از شما درخواست میکنم دست از تلاش برای زندگی کردن مسیحی بردارید. دست بردارید و بذارید قلب شما و زندگی شما این حقیقت عظیم را درک کنه. مسیح صورت خدای نا دیده و خالق آفرینش، و سر کلیسا، و منجی عالم است که خستگی ناپذیری و ثروت بی پایان به او تعلق دارد. بذارید مسیح در شما زندگی کند. بذارید زندگی او از شما جاری شود، تا دیگه با تلاش برای زندگی مسیحی کردن خودتون رو از پا در نیاورید و اجازه بدید او در شما زندگی مسیحی را پیش ببره. مسیح در شما بر همه این چیز ها اثر میذاره.

به این نگاه کنید، عیسی هیچ تمایلی نداره که شما را اصلاح کنه، او مایل هست که شما را تماماً تبدیل کنه. این یک تفاوت عظیم هست. اون ما رو آزاد میکنه. ما میتونیم دست از خواندن کتاب های خود سازی برداریم. حتی کتاب های خود سازی مسیحی، ما میتونیم خوندن اونها رو رها کنیم چون، مهم نیست که چقدر از چیز هائی رو که اونجا میخونیم، دنبال میکنیم، ما هنوز هم سعی میکنیم بر اساس مقررات و اصول و قوانین زندگی مسیحی خودمونو پیش ببریم، تازه اگه بتونیم به اونها عمل کنیم، همه چی خوب خواهد شد! و این حقیقت نداره و یک دروغ فاجعه بار هست. تنها مسیح میتونه راضی کنه. تنها مسیح میتونه سیر کنه. تنها مسیح میتونه ذهن و فکر ما رو تبدیل کنه، تنها مسیح میتونه فکر، احساسات، بدن، اراده ما رو طوری تبدیل کنه، که باعث جلال خدا بشه. پس بذارید او کار تبدیل شما رو انجام بده. او نمرد که به ما شیوه زندگی اخلاقی جدیدی بدهد. او مرد که به ما زندگی در خودش بده. و بین این دو یک تفاوت اساسی وجود داره.

مسیحیت چیزی کمتر از بازتاب زندگی مسیح ساکن در ما نیست. مسیح در شما فکر شما رو تبدیل می کنه. مسیح احساسات شما رو تبدیل میکنه تا شما هم چیزی رو احساس بکنید که او احساس میکنه. وقتی مسیح چشمه ای میشه که تمام احساسات ما از اون جاری میشه چه اتفاقی در کلیسا میفته؟ مسیح بدن ما رو تبدیل نمیکنه تا بر خلاف قوانین شریعت زندگی نکنیم که میگند، این پاکی هست و این قدّوسیت هست، بلکه بدن ما رو تبدیل میکنه تا قدّوسیت خودشو در اون ایجاد کنه. آن کسی که قدّوس هست در ما قدّوس هست. ما در اراده امون شروع میکنیم به فکر کردن و رومیان ۱۲:۲ تبدیل به واقعیت میشه. ما بر اساس اراده او تبدیل میشیم. حالا ما اراده او رو میدونیم، با اون موافقیم و از اون لذت میبریم و اون بر نحوه ارتباط ما با همدیگه تأثیر میذاره. میدونم ازدواج هائی هستند که در کشمکش اند. خانواده هائی را میشناسم که در

کشمکش هستند. مسیح امید ما هست. او تنها امید ما هست. مسیح در شما. پس به مسیح نگاه کنید و به طرف ثروت های مسیح بروید. او از درون بر ما تأثیر می‌ذاره. و زندگی ما تبدیل میشه.

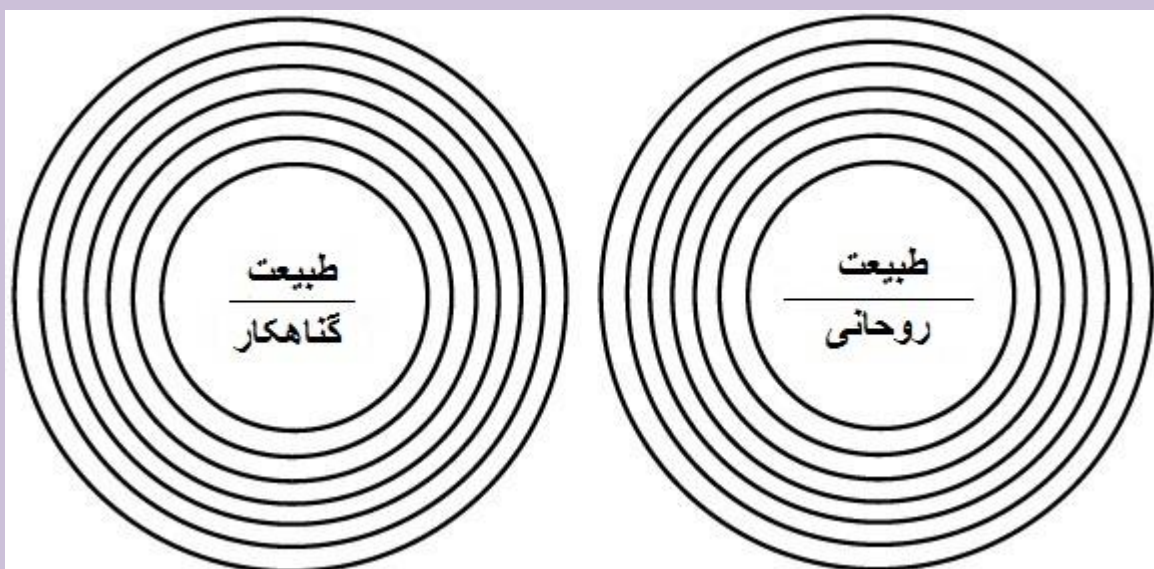
شما

زندگی تعویض شده

و اون ما را به تصویر بعدی هدایت میکنه. مسیح تنها با شما نیست، بلکه او در شماست. زندگی تعویض شده. زندگی تقویت شده، زندگی تبدیل شده و زندگی تعویض شده. وقتی به ماهیت این تصویر میرسیم میخوام به دو گزینه توجه کنید. دو گزینه: در سمت چپ "طبیعت گناهکار" آن یک گزینه هست. و آن چیزیه که همه ما در آن تولد یافتیم. ما با طبیعتی گناهکار در قلب خودمون به دنیا اومدیم. هر کدام از ما طبیعتی گناهکار در قلب خودمون داریم. اینطور نیست که ما فقط گناه میکنیم، آن مشکل ما نیست. به این دلیل هست که طبیعتی گناهکار داریم. همه ما داریم. طبیعتی که به سوی خود ما تمایل داره، طبیعتی که به چیز های این دنیا تمایل داره. اون به خدا تمایل نداره. اون طبیعتی گناهکار هست که همه ما از آدم به ارث بردیم. از آدم و حوا بسیار متشکریم اما این چیزیه که به ارث بردیم. ما طبیعتی گناهکار داریم. همه ما داریم. از زندگی همه ما پیداست که ما طبیعتی گناه آلود داریم.

و در نتیجه، مهم نیست که در اون دایره های بیرونی چقدر سخت کار بکنیم که کارهای خوب و کارهای درست انجام بدیم. ما هنوز مشکلی بنیادی در هسته وجود مان به نام طبیعت گناهکار داریم. و این چیز عظیمیه. لطفاً به من گوش کنید! این چیز کوچکی نیست. چون من معتقدم که در کلیسا بسیاری از مردم هستند که در بعضی از اون دایره های بیرونی کارها رو به خوبی انجام میدند و یک زندگی مسیحی میکنند و رفتار مسیحی میکنند و ازدواج مسیحی دارند. و شاید در گروه های کوچک به بقیه مسیحیان تعلیم میدند به جلسات پرستش میاند و همه این کارها را انجام میدند اما در اعماق وجودشون تغییری حاصل نشده. و من معتقد هستم این امکان وجود داره که ما همه کارهای خوب را که از یک مسیحی انتظار میره انجام بدیم با اینحال اون چیزی که برای مسیح اهمیت داره یعنی تبدیل شدن ذات و طبیعت رو از دست بدیم. "بسا در آن روز مرا خواهند گفت: «خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟» آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که «هرگز شما را نساختم! ای بدکاران از من دور شوید!» (متی ۲۲:۷ - ۲۳). ما باید در مقابل این طبیعت گناهکار ذاتی

گارد بگیریم. چون حتی ریشه کارها و فعالیت های مذهبی ما نیز میتونند از این نفس گناهکار نشأت بگیرند. زیبایی آن در اینه که این تنها گزینه نیست. عیسی زندگی خودش را با ما عوض کرده، پس شما طبیعت گناهکار را در چپ و طبیعت روحانی را در سمت راست دارید. پس در دایره درونی سمت راست بنویسید "طبیعت روحانی". عیسی زندگی خودش را با ما عوض کرده. این زیبایی کاری هست که عیسی بر روی صلیب انجام داد. اینو فراموش نکنید. او طبیعت گناهکار شما را گرفت و مصلوب کرد و به جای آن خودش را قرا داد. او روح خدا، و طبیعت روحانی را ، درون شما قرار داد. مسیح در شما. اون تعویض کامل زندگی هست. عیسی همه انشعابات طبیعت گناهکار ما رو می گیره، که بزرگترین آنها مرگ هست و آن را بر خودش قرار میده. در عوض روح خودش را درون ما قرار میده، طبیعت روحانی. این در واقع همون چیزی هست که پولس از آن صحبت میکنه.



به غلاطیان ۵ مراجعه کنید. میخوام اینو به شما نشون بدم. غلاطیان ۵:۱۶. این متن از اثر متقابل بین طبیعت گناهکار و روح صحبت میکنه، طبیعت روح، طبیعت نفسانی و روح. به چیزی که غلاطیان ۵ میگه گوش کنید. غلاطیان ۵:۱۶. او میگه: اما می گویم به روح رفتار کنید، پس شهوات جسم را به جا نخواهید آورد. زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم؛ و این دو با یکدیگر منازعه می کنند بطوری که آنچه می خواهید نمی کنید. اما اگر از روح هدایت شدید، زیر شریعت نیستید. (غلاطیان ۵:۱۶ – ۱۸).

کاری که او می‌کنه اساساً اینه که اعمال طبیعت گناهکار را در آیات ۱۹ - ۲۱ به ما میده و بعد ثمرات روح را در آیه ۲۲ به ما میده. و بعد به آیه ۲۴ می‌رسید و اون میگه: و آنانی که از آن مسیح می‌باشند، جسم را با هوسها و شهواتش مصلوب ساخته اند. اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار بکنیم. (غلاطیان ۵: ۲۴ - ۲۵).

این خبر خوبی هست. پولس با این مردم در کلیسای غلاطیه صحبت می‌کنه و به آنها میگه: "روح خدا در درون شما نهاده شده، با این حال بسیاری از شما طوری زندگی میکنید که گوئی در اسارت طبیعت گناهکار هستید." و او میگه: "شما از آن نجات یافته اید. شما دیگه بر اساس طبیعت گناه آلود زندگی نکنید، بلکه در همگامی با روح زندگی کنید. حالا روح خدا درون شما هست." اونجا وعده ای برای امروز من و شما وجود داره. و اون وعده ای نیکو هست. تا مدت های طولانی کلیسای عیسی مسیح که مسیح در آن ساکن هست واقعاً بنظر میرسیده که بر اساس طبیعت گناه آلود زندگی میکرده. و زیبایی غلاطیان ۵ و کولسیان ۱: ۲۷ در این هست که خانم ها و آقایان وقتی شما به مسیح اعتماد میکنید، طبیعت گناه آلود شما مصلوب میشه. قدرت اون سلب میشه کاملاً بدون قدرت هست. و شما دیگه در بندگی گناه نیستید. هیچ کدام از شما که به مسیح اعتماد کرده اید دیگه در بندگی گناه نیستید. می‌دونید چرا؟ چون مسیح بنده گناه نیست و او درون شما زندگی می‌کنه.

بنابر این شما دیگه مجبور نیستید به عنوان برده گناه زندگی کنید چون مسیح بر اون غلبه کرده، و شما مجبور نیستید آن را شکست بدید چون او قبلاً برای شما شکست داده. مفهوم زندگی مسیحی این نیست که ما برویم و سعی کنیم گناهان و وسوسه هائی را که با آنها در کشمکش هستیم شکست بدیم. مسیح قبلاً به آنها پرداخته. زندگی مسیحی - یک زندگی ای هست که مسیح قبلاً بهای آن را پرداخته و آن را به رایگان به ما داده. پس ما از طبیعت گناه آلود نجات یافته ایم. او طبیعت ما را تعویض می‌کنه و روح خود را به جای آن قرار میده. مسیح در ما عیسی زندگی خود را با ما عوض کرده.

به غلاطیان ۲: ۲۰ نگاه کنید او چی میگه؟ "با مسیح مصلوب شده ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند." من با مسیح مصلوب شده ام. طبیعت گناهکار رفته، از تصویر خارج شده. مسیح در من زندگی می‌کنه و این زندگی واقعی که حالا در این بدن دارم، نتیجه ایمان من به پسر خداست که مرا محبت نمود و خود را برای من فدا ساخت. او طبیعت گناهکار شما را برداشته و آن را بر صلیب مصلوب کرده. و شما دیگه در بردگی آن نیستید، چون مسیح در شماست و او ذات وجود شما رو تبدیل کرده.

حالا چرا او این کار کرده؟ چرا عیسی زندگی خودش را با ما عوض کرده. او این کار را کرده تا خدمتش را توسط ما تکمیل کند. و تصویر این هست. وقتی مسیح در شما هست، پس اون تقریباً شبیه ... تصویر تجسم عیسی هست. آن تقریباً مثل تجسم دوباره عیسی هست. نه از همون نظر، ما تماماً خدا و تماماً انسان نیستیم، بلکه تجسم از این نظر که کلمه انسان شد. اون تصویر تجسم هست. خدا، کلمه، در عیسی جسم پوشید. حالا عیسی رفته و این سر آشکار شده که او درون هر کدام از ما زندگی خواهد کرد. و کلام او در هر کدام از ما جسم خواهد پوشید. پس او در ما زندگی میکنه و جلال خودش را توسط ما آشکار میکنه. این زیبایی مسیح در شما هست. خدا خودش را چطور بر دنیا آشکار میکنه؟ نا با ساکن شدن در معبد. او با ساکن شدن در قومش، خودش را بر دنیا آشکار میکنه. ساکن شدن در من و شما. ما مکاشفه طبیعت عیسی مسیح برای خودمان هستیم. و مسیح در ماست. ما تصویری از مسیح را به اطرافیانمون نشان میدیم. تصویر اون هست.

بذارید مثالی براتون نشون بدم - برگردید به آیه ۲۴ نگاه کنید. تمام این متن زمینه ای هست که پولس در اون از خدمت خودش صحبت میکنه و در آیه ۲۴ میگه اکنون از آن رنج و زحمتی که به خاطر شما می‌بینم خوشحالم، زیرا به وسیله رنجهای جسمانی خود آنچه را که از رنجهای مسیح برای بدن او یعنی کلیسایش باقی مانده است تکمیل می‌کنم. (کولسیان ۱: ۲۴). حالا میخوام با هم به اون فکر کنیم. پولس میگه: آنچه را که از رنجهای مسیح برای بدن او یعنی کلیسایش باقی مانده است تکمیل می‌کنم. مفهوم این چی هست؟ در رابطه با رنج های مسیح، آیا رنج های مسیح کافی نبوده اند؟ مطلقاً کافی بوده اند، تصویر کلی که او در انتهای آیه ۲۰ رسم نموده اینه که او توسط ریخته شدن خورش بر صلیب بهای گناهان ما را پرداخته. رنج های او بیش از اندازه کافی بوده.

اما تصویری که پولس در اینجا به ما داده این هست. عیسی مسیح بر روی صلیب رنج کشید و مرد تا بتونه در مردم زندگی کنه، تا بتونه برای گناهان اون ها بمیره و در اون ها زندگی کنه. اما مشکل اینجاست که وقتی پولس این نامه را از زندانی در رم می نویسه، او میدونه که هدفش رسیدن به اسپانیا هست، چون هنوز در اسپانیا کسانی بودند که آن راز را نمی دونستند. آنها نمی دانستند که مسیح به خاطر آنها مرده. چیزی در این باره نشنیده بودند. و او میخواست به اونجا برسه. رومیان ۱۵: ۲۰، "هدف من همیشه این بوده است که در جاهایی که نام مسیح به گوش مردم نرسیده است بشارت دهم، مبادا بر شالوده ای که کسی دیگر نهاده بنا نمایم." او میگه من میخوام به اونجا برم چون این راز باید برای آنها آشکار بشه.

حالا این چطور بر آنها آشکار خواهد شد؟ پولس میگه: " اون توسط من آشکار خواهد شد به وسیله رنجهای جسمانی خود آنچه را که از رنجهای مسیح برای بدن او یعنی کلیسایش باقی مانده است تکمیل می

کنم. مسیح بهای گناهان آنها را پرداخته، آنها باید آن رو بدونند و باید اونو تو زندگی من ببینند. به این دلیل که پولس در سرتاسر نامه هاش از این صحبت میکنه که چگونه رنج ها را با آغوش باز می پذیره. او میخواد در رنج های مسیح سهیم بشه، چرا؟ چون وقتی او برای شناساندن انجیل رنج میکشه، اونوقت مردم دنیا به وضوح مسیح مصلوب شده را در او می بینند.

وقتی او زندگی خودش را فدا میکنه تا مسیح در او شناخته بشه، اونوقت مردم دنیا تصویر مسیح را در قربانی او میبینند، مسیح روی صلیب را می بینند. اینجا اصلی وجود داره. مسیح رنج برد تا نجات را تکمیل کنه؛ ما رنج میکشیم تا نجات را منتشر کنیم. مسیح محبت و فداکاری خودش را در سرتاسر جهان نشون میده. چطور؟ توسط محبت فداکارانه قوم خودش که در آن ها ساکن هست. جوزف تسون که یک شبان رومانیایی بود و با انواع جفا ها روبرو شده، اون را به خوبی بیان کرده او گفته: " صلیب مسیح برای فرو نشاندن خشم بود" - که ما را در برابر خدا پارسا کنه - "صلیب مسیح برای فرو نشاندن خشم بود. صلیب ما برای انتشار هست. به عبارت دیگه ما صلیب خودمون را بر میداریم چون میخوایم یک منجی را به دنیا نشان دهیم که مرد تا آنها بتوانند محبت او را درک کنند.

حالا این انشعابات عظیمی برای دنیائی داره که در آن میلیارد ها نفر هنوز نام عیسی مسیح را نشنیده اند. و بسیاری از آنها در مناطق بسیار صعب العبوری زندگی میکنند. بسیاری از آنها در مناطقی زندگی میکنند که انجیل را نمی خواهند. پس سئوالی که ما باید بپرسیم اینه: "آیا ما صلیب مسیح را در آغوش خواهیم گرفت تا آنها از مسیح صلیب بهرمند شوند و لذت ببرند؟"

کلیسا! این سئوال عظیمی هست. آیا ما صلیب مسیح را در آغوش خواهیم گرفت تا آنها از مسیح صلیب بهرمند شوند و لذت ببرند؟" در خاور میانه در بخشی از دنیا که اکثریت مردم هیچ رابطه ای با مسیح ندارند و هیچ اطلاعی از راز مسیح ندارند، بخش های زیادی از خاور میانه هستند که نمیخواهند راز مسیح را بدانند، با این حال ایماندارانی در خاور میانه هستند که عملاً زندگی خودشونو قربانی میکنند، تا محبت، رحمت و فیض مسیح را با اطرافیان خود نشان دهند. مسیح در آن ها هست و مسیح در ما هست و سئوال برای آنها و برای ما این هست. " آیا ما زندگی خودمان را فدا خواهیم کرد تا آنها به شناخت محبت مسیح نائل شوند؟" چون اینو فراموش نکنید، با فدا کردن زندگی های خودمان هست که آنها تصویر واضحی از محبت مسیح بر روی صلیب به دست خواهند آورد. و وقتی ما آن نوع محبت را نشون بدیم آنوقت اونها به شناخت امید جلال نائل خواهند شد، مسیح در آنها. مسیح برای آنها. تصویر این هست.

عیسی زندگی خودش را با ما عوض کرده تا خدمتش را توسط ما تکمیل کنه. آن ما را به تصویر امید هدایت میکنه.

امید

زندگی امن

زندگی مسیحی زندگی تقویت شده هست و زندگی تبدیل شده و زندگی تعویض شده و همینطور زندگی امن هست. من این تصویر را دوست دارم، امید. این در کتاب مقدس یک رویا، یا یک آرزو یا یک شاید نیست. این یک یقین قطعی هست. "امید" یقین قطعی از این که جلال در انتظار هست. یقین قطعی و اعتماد به جلال. و شما وقتی این تصویر رو در اینجا درک کنید میتونید اونو داشته باشید.

سالها قبل داشتم از یک سی دی به موعظه گوش میکردم. و اونها از یک مثالی استفاده میکردند که میخوام اینجا برای شما از اون مثال استفاده کنم تا بتونید این تصویر مسیح در شما را درک کنید. پس چند ثانیه به من دقت کنید. ازتون میخوام یه ظرفی را تجسم کنید، میخوام این ظرف رو به عنوان خودتون تجسم کنید. باشه؟ این ظرف زندگی شماست. حالا شما با طبیعتی گناه آلود به دنیا اومدید - خالی از روح مسیح. اما وقتی به مسیح اعتماد میکنید تا شما رو از گناهانتون نجات بده، بعد مسیح وارد این ظرف خاص میشه و مسیح میاد که در شما زندگی کنه. بعد ظرف کوچک تری بر میداریم و روی آن مینویسیم مسیح! بعد درپوش شما (ظرف بزرگ) را بر میداریم و مسیح را داخل آن قرار میدیم. خوب؟ پس مسیح درون شماست و شما را ترک نمیکنه. افسسیان ۱:۱۳ - ۱۴. او شما را با روح قدوس خودش مهر کرده. نجات شما را تضمین کرده. پس وقتی مسیح را درونتون دارید، او در هیچ نقطه ای تا ابد شما رو ترک نخواهد کرد. او در شماست. این مهر محکمی هست و جائی نخواهد رفت. باشه؟ اما زیباییش اینه که - به آیه ۲۸ نگاه کنید (کولسیان ۱:۲۸) و ما او را اعلان می نمایم، در حالتی که هر شخص را تنبیه می کنیم و هر کس را به هر حکمت تعلیم می دهیم تا هر کس را کامل در مسیح عیسی حاضر سازیم.

حالا این عملاً تصویر رایج تری هست که ما از پولس رسول در مورد رابطه امون با مسیح داریم. نه مسیح در ما بلکه ما در مسیح. پس بیاید یک ظرف بزرگتر اضافه کنیم. اون ظرفی که روی اون نوشته شده شما بردارید و اونو توی ظرف بزرگتری که روی اون نوشته شده مسیح قرار بدید و در آن را ببینید، بذارید مسیح را در جلو بنویسیم، و نه تنها مسیح در ما هست بلکه ما هم در مسیح هستیم. درست؟ پولس تمام مدت در مورد این صحبت میکنه - با مسیح مصلوب شدم - حالا در مسیح هستم. "خوب شما اونجا هستید. شما مسیح رو در خودتون دارید و حالا خودتونو در مسیح دارید من فکر میکنم این یه تصویر امنیت کامل هست. اما حتی از این هم بهتر میشه به کولسیان ۳ مراجعه کنید در کولسیان ۳:۳ او میگه:

زیرا شما مرده اید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است. در کی؟ آه این خیلی خوبه می بینید که مسیح در خداست. پس بذارید خدا رو هم وارد تصویر کنیم. ما روی ظرف بزرگتری مینویسیم خدا و بعد مسیح را در خدا قرار خواهیم داد و ظرف را خواهیم بست. حالا این تصویری از شما هست. مسیح در شماس است و شما در مسیح هستید و مسیح در خداست. چون مسیح در شماس است و شما در مسیح هستید و مسیح در خداست.

و این بدان معنی هست که دشمن اگر بخواد هر کاری با شما بکنه، اونوقت باید راهی پیدا کنه که از خدا عبور کنه، و برای این کار سابقه خوبی نداره. او باید از خدای پدر عبور کنه، حالا به فرض محال بتونه راهی هم پیدا کنه بعد از عبور از خدای پدر با مسیح روبرو میشه، که با او هم قبلاً روبرو شده و از او شکست خورده. او بطرز فلاکت باری شکست خورده. او فکر میکرد برنده شده، اما سه روز بعد عیسی مسیح از مردگان بازگشت و شیطان مغلوب شد. خوب آگه او از خدا عبور کنه باید با مسیح روبرو بشه. و بعد به شما میرسه اما مشکل اینجاست که به محض اینکه از شما عبور کنه هنوز باید راوند دوم رو با مسیح روبرو بشه که درون شما زندگی میکنه، روح قدوس خدا. خوب این زندگی مسیحی هست، اونو فراموش نکنید، اون طوری طراحی شده که زندگی شما با روح قدوس خدا در امنیت کامل هست، حضور زنده مسیح در شما، شما در مسیح و مسیح در پدر هست. مطلقاً چیزی نیست که در این دنیا بتونه جدا از فیض و رحمت و محبت و قدرت و حاکمیت این خدای عظیم برای شما اتفاق بیفته. و این خبر خوبیه. شما در او کاملاً در امنیت هستید و چیزی برای ترس ندارید! هیچ دلیلی برای ترس ندارید!

به این دلیل پولس وقتی از رنج جا صحبت میکنه می گه: "من زندگی خودم را خواهم داد تا آنها بدونند." او میگه: من در این شادی میکنم. چرا در اون شادی میکنی؟ چون هیچ چیزی نیست که در این دنیا بتونه برای شما اتفاق بیفته که بتونه هرگز این تصویر را کنار بزنه، از حال تا ابد، مسیح در شما، شما در مسیح و مسیح در خدا. این خبر خوبی هست. این زندگی مسیحی هست. من دعا میکنم خدا به ما فیض عطا فرماید تا این تصویر را درک کنیم. امید برای چه؟ مسیح در شما مایه امید جلال خداست.

جلال

زندگی تکمیل شده

آخرین مشخصه زندگی مسیحی که می خوام ببینید زندگی تکمیل شده هست. زندگی مسیحی زندگی تقویت شده هست و زندگی تبدیل شده و زندگی تعویض شده و زندگی امن و زندگی تکمیل شده هست. به آیه ۲۸

از کولسیان ۱ نگاه کنید، اون می‌گه: و ما او را اعلان می‌نماییم، در حالی که هر شخص را تنبیه می‌کنیم و هر کس را به هر حکمت تعلیم می‌دهیم تا هر کس را کامل در مسیح عیسی حاضر سازیم. (کولسیان ۱:۲۸). کامل. اینجا هدف آشکارا کمال هست. کمال در مسیح. باز هم به باب ۳ کولسیان آیه ۴ که چند لحظه پیش نگاه کردیم، برگردید. به این نگاه کنید " چون مسیح که زندگی ما است ظاهر شود، آنگاه شما هم با وی در جلال ظاهر خواهید شد. " (کولسیان ۳:۴). این امید شماس است. وقتی مسیح زندگی شماس است، پس روزی خواهد رسید که شما با او در جلال ظاهر خواهید شد.

فیلیپیان ۳:۲۰ و ۲۱ اون رو اینطور بیان کرده: "اما ما تابع کشور آسمانی و منتظر آمدن عیسی مسیح خداوند هستیم که به عنوان نجات دهنده از آسمان می‌آید. او طوری بدن های ضعیف و فانی ما را تغییر خواهد داد تا به بدن پر شکوه او شباهت یابد." اول یوحنا ۳:۲ آن را اینطور بیان میکنه: *ما مثل او خواهیم بود، هدف، منظور و سود نهائی زندگی مسیحی روزی هست که هر کسی در این سیاره که به مسیح اعتماد کرده، هر کسی که مسیح را پذیرفته و در خودش داره روزی در مسیح تکمیل خواهد شد و دیگه کشمکش با گناه نخواهد بود، دیگه اندوهی نخواهد بود، دردی نخواهد بود، ما در او و با او تکمیل خواهیم شد.* به این دلیل او در کولسیان ۱ نخست زاده از میان برادران بسیار خوانده شده. ما عضوی از خانواده هستیم. عبرانیان ۲:۱۰ تا بتوانیم عضوی از خانواده او شویم. به این دلیل او پسران و دختران زیادی را به جلال می‌آره. به این دلیل رومیان ۸:۲۸ می‌گه: " ما می‌دانیم همه چیز برای خیریت آنانی که خدا را دوست دارند و بحسب اراده او خوانده شده اند با هم در کارند، " اراده او چی هست؟ " زیرا خدا آنانی را که از ابتدا می‌شناخت از پیش برگزید تا به شکل پسر او در آیند و تا پسر، نخستین برادر در میان ایمانداران بسیار باشد. او کسانی را که قبلا برگزیده بود به سوی خود خوانده است، و خوانده شدگان را کاملا نیک محسوب کرد و نیکان را نیز جاه و جلال بخشید. " (رومیان ۸:۲۹ - ۳۰). روزی خانم ها و آقایان ما در او کامل خواهیم شد و این ارزش داره که ما زندگی هامون را در پرتو این حقیقت فدا کنیم که میدانیم، روزی در مقابل پدر کامل شده در عیسی مسیح خواهیم ایستاد. مسیح در شما الان یعنی مسیح در شما تا ابد، پیروزی، تکمیل زندگی مسیحی. مسیح در شما مایه امید جلال. او زندگی تقویت شده به ما داده. خدایا ما رو از برداشت کوچک از مفهوم مسیح نجات بده! او ما را از درون به بیرون تبدیل میکنه حتی همین الان که اینجا نشستید. دوم قرنیتیان ۳:۱۸ - او شما را از جلالی به جلال روز افزون دیگه متبدل میکنه. شما را بیشتر به شباهت مسیح در میاره، لحظه به لحظه. و او این کار را میکنه. شما نمیکنید. شما تبدیل نمی‌شید. او شما رو تبدیل میکنه. او شما رو اصلاح نمیکنه. او شما رو تبدیل میکنه. او زندگی شما را با زندگی خودش عوض کرده. او طبیعت گناه آلود شما رو برداشته. او آن را مصلوب کرده تا شما

بتوانید در پارسائی و عدالت او و در قدّوسیت او و در نجات و قدرت او زندگی کنید. او زندگی شما را با زندگی خودش عوض کرده. شما روح او رو در اعماق قلب خودتون دارید. او به شما در خودش امنیت داده و هیچ چیزی در این دنیا نیست که بتونه بدون عبور از خدای پدر و پسر و روح القدس به شما دست بزنه و او روزی شما را کامل خواهد کرد. خدا را شکر به خاطر این حقیقت حیرت انگیز. مسیح در شما امید جلال.

من از هر کسی دو سؤال دارم. سؤال یک: آیا مسیح در شما هست؟ من نمی‌پرسم که آیا تعمید گرفتید یا نه یا عضو یک کلیسا هستید یا نه؟ من نمی‌پرسم که آیا تمام عمرتون رو به کلیسا رفتید، من نمی‌پرسم آیا شما رهبر یک کلیسا هستید، فقط می‌پرسم، آیا مسیح در شما هست؟ آیا تغییری بنیادی در وجود شما پیش آمده و مسیح روحش را در درون شما قرار داده؟ تا جایی که بگید من چیزی برای عرضه نیاوردم. یک ذره هم نمیتونم کاری کنم که منو در مقابل خدا قابل قبول کنه. تنها مسیح میتونه این کارو بکنه. آیا به او اعتماد کردید که شما رو از گناهانتون نجات بده، درون شما ساکن بشه و زندگی کنه؟ آگه تا حالا این کارو نکردید، آگه مسیح در شما نیست، پس، از شما استدعا میکنم همین الان در این لحظه به او بگید: "میخوام درون من زندگی کنی. من طبیعت گناه آلود دارم که میخوام با طبیعت پارسای خودت عوض کنی به تو اعتماد میکنم که این کار را بکنی، نه یک ذره هم با چیزی که من میتونم بکنم. من به تو اعتماد میکنم که اونو انجام بدی تماماً با فیض خودت. من نمیتونم کاری کنم که اینو به دست بیارم، بلکه تو اونو به رایگان به من میدی." میدونم به محض اینکه اینو به او بگید. به محض اینکه به او اعتماد کنید کتاب مقدس میگه مسیح در شما ساکن میشه. او میاد که در شما ساکن بشه و زندگی کنه. آیا مسیح در شما هست؟

سؤال شماره دو برای اون عده از شما که میتونید با اطمینان قطعی بگید: بله مسیح در من هست – سؤال من اینه: آیا مسیح زندگی شما هست؟ میدونم که او ناجی شماست، او شما رو از گناهانتون نجات داده، اما او زندگی شما هست؟ آیا او هر روز از درون شما رو تبدیل میکنه و آیا شما سعی کردن را رها کردید که بخواهید خودتونو تبدیل کنید؟ آیا دست از تلاش برای زندگی مسیحی با قدرت خودتون برداشتید؟ آیا اقرار کردید که این غیر ممکنه، من نمیتونم پس تسلیم میشم و نیاز دارم که تو اونو برام انجام بدی؟ آیا مسیح زندگی شما هست؟ و آگه شما اسیر طبیعت گناه آلود هستید و فکر میکنید که خودتون میتونید این با قدرت خودتون انجام بدید میخوام امروز از شما خواهش کنم به مسیح بگید: "من میخوام تو زندگی من باشی. من نسبت به خودم خواهم مرد چون میخوام تو در من زندگی کنی. من این زندگی مسیحی را میخوام. مسیح در من امید جلال."

من دعا خواهم کرد و آگه لازمه به یکی از اون دو سؤال در زندگیتون جواب بدید – آیا نیاز دارید که مسیح در شما باشه یا نیاز دارید مسیح زندگی شما باشه. شاید برای اولین بار بعد از مدت های طولانی میخواهید او واقعاً زندگی شما بشه. اون موقع زانو بزنید و بگید "مسیح امروز میخواوم نسبت به خودم بمیرم و من میخواوم در من زندگی کنی."

پدر دعا میکنم ما رو از مسیحیت شکست خورده نجات بدی. پدر دعا میکنم تو افرادی را بلند کنی که زندگی تبدیل شده، عوض شده، در قدرت و امنیت و کمال در مسیحیت را بشناسند و تجربه کنند. پدر دعا میکنم ما رو از قوانین و مقرراتی که مانع میشند ما لذت مسیح در من امید جلال را تجربه کنیم، نجات بدی! پدر دعا میکنم امروز مردم به تو اعتماد کنند. برای اولین تو با روح قدوست به طور اساسی اونها رو متحول کنی. و دعا میکنیم ما رو به عنوان کسانی بلند کنی که به دنیا نشون بدیم، مسیح در ما امید جلال یعنی چی. در نام عیسی دعا میکنیم. آمین.

مجوز رسمی

شما مجاز هستید و ما تشویق میکنیم که این مطالب را تکثیر و توزیع نمائید. یادآوری میکنم که هیچ گونه تغییری در محتوی این مطالب مجاز نیست. لطفاً در پایان نسخه های تکثیر شده این عبارت را قید نمائید:

By David Platt. © David Platt & Radical.

Website:

Radical.net

©David Platt 2007 28